

ارسال: ۱۴۰۲/۱۰/۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۲۱



10.22034/nf.2024.432843.1293

## بررسی داده‌بنیاد جایگاه سازه‌های مفعولی در زبان فارسی با توجه به عامل وزن<sup>۱</sup>

شکوه نیروبخش\* (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

**چکیده:** هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی جایگاه مفعول در جملات ساده زبان فارسی با توجه به عامل وزن سازه‌ای است. درحالی‌که در ترتیب سازه‌ای بی‌نشان جایگاه مفعول مستقیم دور از فعل معرفی شده است (ماهوتیان، ۱۹۹۷)، برخی مطالعات دو جایگاه برای مفعول مستقیم معرفی می‌کنند. از طرفی، شواهد زبان‌شناختی نشان می‌دهد که طول سازه‌ای در جایگاه سازه‌های نحوی مؤثر است. داده‌های این پژوهش از پیکره وابستگی نحوی زبان فارسی (رسولی و همکاران، ۲۰۲۲) استخراج شده و براساس آن، به ارزیابی جایگاه سازه‌های مفعولی با در نظر گرفتن متغیر وزن و طول سازه در جملات دومفعولی پرداخته می‌شود. این مطالعه، به روش توصیفی و استنباطی، داده‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که مفعول‌های مستقیم در دو جایگاه بی‌نشان ظاهر نمی‌شوند، بلکه در حالت بی‌نشان مفعول‌های مستقیم، اعم از معرفه و نکره و نیز اسم جنس، در جایگاه دور از فعل و قبل از مفعول دوم قرار می‌گیرند. همچنین، مفعول‌های دوم فعل غالباً در جایگاه نزدیک به فعل واقع می‌شوند. با توجه به تمایل زبان فارسی نسبت به تشکیل فعل مرکب، در مواردی که مفعول مستقیم بتواند با فعل ترکیب شده و به یک واقعیت رخدادی واحد اشاره کند آن سازه به احتمال بیشتری در جایگاه مجاور فعل قرار می‌گیرد. در مواردی که میان مفعول مستقیم و فعل فاصله معنایی وجود داشته باشد مفعول مستقیم دور از فعل واقع می‌شود. در چنین شرایطی، حضور «را» به همراه مفعول مستقیم اسم جنس اجباری است. همچنین، نتایج حاکی از آن بود که در ترتیب نشان‌داز وزن سازه‌ای می‌تواند مؤثر باشد؛ به این معنا که سازه‌های سنگین‌تر تمایل دارند در جایگاه دور از فعل قرار گرفته و یا پس‌اندازی شوند.

**کلیدواژه‌ها:** وزن سازه‌ای، طول سازه‌ای، جایگاه سازه‌های مفعولی، اسم جنس، مشخص‌بودگی.

### ۱. مقدمه

هدف کلی مطالعه حاضر بررسی جایگاه مفعول در جملات ساده زبان فارسی معاصر است. زبان فارسی معاصر زبان مردم ایران است که در تهران صحبت می‌شود و به آن گویش تهرانی یا معیار

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده، به راهنمایی دکتر محمد دبیرمقدم و مشاوره دکتر آزاده میرزایی، است.

\* Sh.niroobaxsh@gmail.com

می‌گویند. افراد تحصیل‌کرده ایرانی و رسانه‌های فارسی‌زبان از این گویش برای صحبت کردن و نوشتن استفاده می‌کنند که در این مقاله به آن «فارسی» گفته خواهد شد.

به گفته پیترسون (۱۹۷۴)، گروه‌های اسمی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

(۱) **گروه‌های اسمی معرفه.** در گروه‌های اسمی معرفه، گوینده آن گروه اسمی را می‌شناسد و فرض بر این است که شنونده می‌داند که منظور از آن گروه اسمی چیست.

(۲) **گروه‌های اسمی نکره مشخص.** در گروه‌های اسمی نکره مشخص، گوینده مرجع مشخصی از آن گروه اسمی را در ذهن دارد، ولی فرض بر این است که شنونده از مرجع آن گروه اسمی اطلاع ندارد.

(۳) **گروه‌های اسمی نکره نامشخص.** در گروه‌های اسمی نکره نامشخص، نه گوینده و نه شنونده مرجع مشخصی از آن گروه اسمی در ذهن خود ندارند.

به گفته دبیرمقدم (۱۳۶۴)، اسم‌های جنس به دسته و طبقه دلالت می‌کنند. مفعول اسم جنس نامشخص و غیرارجاعی بوده و از نظر شمار خنثی است. به عبارت دیگر، اسم‌های جنس برای اشاره به یک مجموعه و گروه به صورت کلی (و نه مشخص) استفاده می‌شوند.

در زبان فارسی، مفعول غیرمستقیم به مفعولی گفته می‌شود که با حروف اضافه «به» و «برای» همراه شده و در جمله‌ای که حاوی مفعول مستقیم باشد حضور دارد (دبیرمقدم ۱۳۹۹، ص ۳۴۸)، حال آنکه مفعول حرف اضافه‌ای یا متممی<sup>۱</sup> مفعول‌هایی هستند که با حروف اضافه «از»، «با» و «در» همراه شده و به آن‌ها مفعول‌های «ازی»، «بایی» و «دری» هم گفته می‌شود. این دسته از مفعول‌ها، در بیشتر مواقع، موضوع اجباری فعل در نظر گرفته نمی‌شوند.

براساس لمبرکت (۱۹۹۶)، توالی بی‌نشان از نظر ساخت اطلاع بی‌نشان بوده و نسبت به توالی نشان‌دار پرکاربردتر است. تاکنون نظرات مختلفی در رابطه با آرایش بی‌نشان واژه‌ها در زبان فارسی بیان شده است (Frommer, 1981; Mahootian, 1997; Roberts, 2009). برای نمونه، ترتیب غالب سازه‌ای ماهوتیان (۱۹۹۷) به صورت زیر است (از راست به چپ):

فاعل - (افزوده زمانی) - مفعول مستقیم - مبدأ - (افزوده مکانی) - بهره‌ور/ مقصد - (افزوده وسیله‌ای) - فعل

این در حالی است که کارنی<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) آرایش سازه‌ای زبان فارسی را (از راست به چپ) به صورت زیر مطرح می‌کند:

فاعل - مفعول حرف اضافه‌ای / مفعول غیر مستقیم - مفعول مستقیم - فعل (Carnie 2021, p. 489)

به عبارت دیگر، در توالی سازه‌ای بی‌نشان مطرح شده توسط کارنی، مفعول مستقیم در مجاورت فعل در نظر گرفته شده است. این در حالی است که ماهوتیان جایگاه مفعول مستقیم را در جایگاه دور از فعل معرفی می‌کند.

از سوی دیگر، برخی از زبان‌شناسان ایرانی دو جایگاه بی‌نشان برای مفعول مستقیم قائل‌اند:

(۱) مفعول مستقیم با «را» در جایگاه دور از فعل و قبل از مفعول غیر مستقیم (مفعول مستقیم با «را» + مفعول غیر مستقیم + فعل):

(۲) مفعول مستقیم بدون «را» در جایگاه مجاور فعل و بعد از مفعول غیر مستقیم (مفعول

غیر مستقیم + مفعول مستقیم بدون «را» + فعل) (راسخ‌مهند، ۱۳۸۳؛ Karimi, 2003).

در واقع، آن‌ها بیان می‌کنند که مفعول مستقیم، در صورتی که مشخص باشد، در جایگاه دورتری از فعل قرار گرفته و با «را» همراه می‌شود، حال آنکه مفعول‌های مستقیم نامشخص بدون «را» و در جایگاه مجاور فعل قرار می‌گیرند. به گفته کریمی (۱۹۸۹)، «را» نشانه مشخص‌بودگی<sup>۱</sup> است. لازار (۱۹۸۲) نیز برای گروه اسمی یک پیوستار معرفی می‌کند که یک طرف آن مفعول مستقیم معرفه، میانه آن مفعول مشخص نکره و طرف دیگر آن مفعول نامشخص نکره و اسم جنس حضور دارد. به گفته وی، در این پیوستار، هر چه از سمت معرفه به سمت نکره نامشخص حرکت می‌کنیم، مشخص‌بودگی گروه اسمی کمتر شده و احتمال حضور «را» کم‌رنگ‌تر می‌شود. در مطالعه دیگر، کریمی (۲۰۰۳) اذعان دارد که مفعول مستقیم معرفه نسبت به مفعول مستقیم نکره از جایگاه نحوی بالاتری برخوردار بوده و با «را» همراه می‌شود. این در حالی است که براساس دبیرمقدم (۱۳۶۴)، اسم جنس با اینکه نامشخص‌ترین نوع مفعول است، ولی ممکن است در مواردی با «را» به کار برده شود:

(۱) سرکه شیر را می‌برد (همان).

(۲) می‌دانید چطور گوسفند را می‌کشند؟ (همان)

در کنار صورت‌های بی‌نشان، نوعی آرایش واژگانی در زبان فارسی دیده می‌شود که با این ترتیب غالب و بی‌نشان مغایر است. به این ترتیب‌ها ترتیب‌های نشان‌دار<sup>۲</sup> گفته می‌شود. به عبارت دیگر، آرایش واژگانی همیشه براساس ساخت بی‌نشان دیده نمی‌شود و عواملی همچون

رده زبانی، ساخت اطلاع، تأکید تقابلی و وزن سازه این اجازه را به گویشور زبان می‌دهد که آرایش واژگانی را تغییر دهد.

راسخ‌مهند و قیاسوند (۱۳۹۳) از نوعی قلب نحوی به نام پسایندسازی در زبان فارسی یاد می‌کنند. در پسایندسازی، سازه‌ها به جایگاه پسافعلی (پس از فعل) حرکت می‌کنند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که عواملی همچون وزن سازه‌ای، معرفگی و ساخت اطلاع در فرایند قلب نحوی دخیل است. همچنین، مطالعات زبان‌شناسی نشان داده است که عواملی همچون تأکید و مبتداسازی نیز می‌تواند منجر به حرکت سازه‌ها در جمله شود (Karimi, 1989; دبیرمقدم، ۱۳۶۴).

## ۲. تأثیر وزن سازه‌ای در جایگاه سازه‌های مفعولی

براساس هاکینز (۱۹۸۳)، سنگینی عبارت است از تعداد هجاها، وابسته‌ها (واژه‌ها) و سازه‌های نحوی یک واحد دستوری. هاکینز بیان می‌کند که توالی ترجیحی توالی‌ای است که فاصله هسته فعلی و هسته متمم‌های آن کمتر باشد. با توجه به اینکه زبان انگلیسی یک زبان هسته‌آغازی و فعل‌آغازی است، توالی ترجیحی آن است که سازه‌های سبک‌تر به منظور پردازش اقتصادی‌تر قبل از سازه‌های سنگین‌تر قرار گیرند. هاکینز نیز بر تفاوت رفتاری میان زبان‌های فعل‌آغازی و فعل‌پایانی تأکید می‌کند. در واقع، ترتیب سازه‌ای در زبان‌های فعل‌پایانی (مانند ژاپنی و کره‌ای) معکوس است؛ به این معنا که سازه‌های سنگین قبل از سازه‌های سبک‌تر قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، در هر دو نوع زبان، سازه‌های سنگین‌تر تمایل دارند که در جایگاه دورتری نسبت به فعل واقع شوند. وی از صورت زیر برای زبان‌های فعل‌پایانی استفاده کرده و بیان می‌کند که اگر  $IC_2 > IC_1$  باشد، آنگاه توالی ترجیحی  $[ICm2 ICm1 C]$  خواهد بود (Hawkins 1994, p. 104). به عبارت دیگر، اگر وزن متمم‌های فعل ( $IC_1$  و  $IC_2$ ) به گونه‌ای باشد که یکی از آن‌ها وزن بیشتری نسبت به دیگری دارا باشد، آن متممی که وزن سبک‌تری دارد، در کنار فعل ( $IC$ ) قرار خواهد گرفت که این تمایل به سبب اقلان اصول پردازشی، صورت می‌گیرد. در همین راستا، هاکینز از اصول پردازشی<sup>۱</sup> یاد می‌کند که به موجب آن، رفتار نحوی توالی سازه‌ای حاصل اصولی است که منجر می‌شود پردازش زبانی عملکرد بهتری داشته باشد (ibid, p. 6). به گفته هاکینز، حرکت سازه‌های سنگین در شمار قواعد سبکی بوده و عملکرد آن وابسته به وزن سازه است (ibid, p. 20). این ادعا با مدل‌های افزایشی تولید جمله (Bock et al. 2002; Kempen & Harbusch, 2003) هم‌راستا است. براین اساس، ترتیب سازه‌ای وابسته به زمان پردازش است. به این ترتیب، سازه‌های کوتاه‌تر و ساده‌تر می‌توانند سریع‌تر

ساخته‌وپرداخته شده و بنابراین، نسبت به سازه‌های بلند و پیچیده‌تر در زمان تولید، در دسترس‌تر بوده و در جایگاه نزدیک‌تری نسبت به هسته قرار می‌گیرند.

واسو (۱۹۹۷) نیز عامل طول سازه را در امر پس‌سازندسازی سازه سنگین دخیل می‌داند. براساس واسو، به‌صورت جهان‌شمول سازه‌های کوتاه قبل از بلند و نیز اطلاعاتی که از قبل در بافت حضور داشته‌اند زودتر از اطلاعات نو در چینش سازه‌ای قرار می‌گیرند. هرچند این چینش سازه‌ای در زبان‌های SOV، مثل ژاپنی، که هسته پایانی بوده و دارای ویژگی قلب نحوی است، برعکس است و سازه‌های بلند پیش از سازه‌های کوتاه قرار می‌گیرند (Hawkins, 1994; Yamashita & Chang, 2001).

فقیری و سمولیان (۲۰۱۵) نیز طول سازه‌ای را نیز عاملی غیرنحوی در تعیین جایگاه مفعول در زبان فارسی برشمردند. آن‌ها پس از مدل‌سازی توالی دو مفعول از طریق رگرسیون، به این نتیجه رسیدند که در زبان فارسی همچون زبان ژاپنی، بین طول نسبی سازه‌ها و توالی دو مفعول رابطه وجود دارد. براین‌اساس، در زبان فارسی تمایل غالب بر آن است که سازه‌های بلند قبل از سازه‌های کوتاه قرار گیرند. به گفته آن‌ها، مفعول مستقیم مشخص، که در دسترس‌ترین نوع مفعول است، در جایگاه دور از فعل قرار می‌گیرد. همچنین، مفعول‌های مستقیم بدون «را» و بدون هیچ افزوده و نشانه نکرگی (مفعول‌های عریان) در مجاورت فعل واقع می‌شوند. در این مطالعه، گفته شده است که اگرچه زبان فارسی برخلاف ژاپنی یک زبان هسته‌آغازی است، ولی در رابطه با توالی مفعول به‌مثابه هم رفتار می‌کنند.

علائی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر طول سازه را بر سرعت پردازش سنجیدند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که زمانی که طول سازه‌ها کوتاه است، جابه‌جایی سازه‌ها و قلب نحوی تأثیری در پردازش جملات ندارد. حال‌آنکه با افزایش طول سازه، جابه‌جایی سازه‌ها با سرعت پردازش رابطه مستقیم دارد. به‌طور کلی، علاوه بر عوامل گفتمانی و کلامی، وزن و طول سازه‌ای در جایگاه سازه‌های مفعولی دخیل است. این عامل در رده‌های زبانی مختلف رفتاری متفاوت دارد. براساس آنچه گفته شد، در زبان‌های فعل‌آغازی، مانند زبان انگلیسی، سازه‌های بلند تمایل دارند که بعد از سازه‌های کوتاه قرار گیرند. این توالی در زبان‌های فعل‌پایانی، مانند ژاپنی، برعکس است.

### ۳. پیکره‌وابستگی نحوی

براساس کارنی (۲۰۲۱)، یکی از مزایای استفاده از پیکره‌های زبانی این است که از طریق این پیکره‌ها می‌توان به جملاتی دست یافت که در بافت و با توجه به شرایط فرهنگی توسط گویشور

زبان تولید شده‌اند. این مطالعه، به منظور بررسی جایگاه سازه‌های مفعولی، از پیکره وابستگی نحوی (رسولی و همکاران، ۲۰۲۲) استفاده کرده است.

اگرچه پیکره وابستگی نحوی برچسب خورده است، ولی در این پیکره کلیه مفعول‌های غیر مستقیم و حرف اضافه‌ای، تحت عنوان مفعول حرف اضافه‌ای، برچسب گذاری شده‌اند. از سوی دیگر، این پیکره فاقد برچسب گذاری نوع سازه مفعولی، اعم از معرفگی، نکرگی و اسم جنس، است. لذا، با در نظر گرفتن برچسب‌های مربوط به مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای که در پیکره وجود داشت، داده‌های جمع آوری شده یک بار دیگر به لحاظ اینکه مفعول‌های حرف اضافه‌ای غیر مستقیم هستند یا حرف اضافه‌ای، برچسب گذاری شدند. همچنین، انواع مفعول مستقیم، به لحاظ معرفگی، نکرگی، اسم جنس و یا ترکیب‌های اسم جنسی، برچسب گذاری شدند. به منظور اعتبارسنجی برچسب گذاری‌ها، پیکره مستخرج یک بار دیگر توسط یکی از دانشجویان دکتری زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی برچسب گذاری شد. در پایان، هر دو برچسب‌گذار در رابطه با اختلاف نظرها بحث و گفت‌وگو کرده و نهایتاً، ضریب کاپای کوهن محاسبه شد. در همه موارد، ضریب همبستگی مثبت و با توجه به مقدار احتمال حاصل، برچسب‌زنی هر دو پاسخ‌دهنده همسو با یکدیگر است.

#### ۴. ترکیب فعل و اسم جنس به عنوان فعل مرکب

زبان فارسی دارای تعداد محدودی فعل ساده است و بیشتر واژه‌های فعلی مرکب هستند. صادقی (۱۳۷۲) تعداد افعال بسیط در زبان فارسی را حدود ۲۵۰ فعل تخمین می‌زند. دبیرمقدم (۱۳۷۶) فرایند ساخت واژگی فعل مرکب را فرایندی بسیار زایا در زبان فارسی معرفی می‌کند و از دو فرایند عمده تشکیل فعل مرکب یاد می‌کند: انضمام و ترکیب.

دبیرمقدم تفاوت میان این دو نوع فعل مرکب را این گونه تبیین می‌کند: افعال ترکیبی افعالی هستند که از پیوند فعل با فعل یار (موضوع فعل) تشکیل شده است. در فرایند ترکیب، فعل یار نقش تئای خود را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، کل ترکیب دستخوش واژگانی‌شدگی و بسط استعاری شده و فعل یار و فعل با هم یک عنصر واژگانی را تشکیل می‌دهند. این دسته از افعال دارای صورت متناظر غیر ترکیبی نیستند. همچنین، افعال ترکیبی ممکن است لازم و یا متعدی باشند.

(۳) تمام کتاب‌ها را حراج کرده‌ایم.

(۴) امروز تو مرا نجات دادی.

(۵) نباید به این موضوع اهمیت بدهم.

از سوی دیگر، افعال انضمامی دارای صورت متناظر غیر انضمامی هستند و فعل یار فعل مرکب نقش تئای خود را از دست نداده و با صورت غیر انضمامی خود دارای هم‌معنایی تئایی است.

همچنین، پس از فرایند انضمام، فعل هویت معنایی خود را همچنان حفظ می‌کند. افعال انضمامی نسبت به افعال ترکیبی از زایایی بالاتری برخوردارند.

در افعال انضمامی، سازه‌های مفعولی با از دست دادن نقش‌نماهای دستوری خود، در مجاورت فعل قرار گرفته و با فعل یک فعل مرکب انضمامی تشکیل می‌دهند. به گفته دیرمقدم (۱۳۷۶)، در زبان فارسی مفعول مستقیم و گروه حرف‌اضافه‌ای مکان می‌توانند تحت فرایند انضمام قرار گرفته و با فعل پیوند بخورند. در چنین فرایندی، هر دو گروه اسمی مفعول مستقیم و مفعول حرف‌اضافه‌ای نشانه‌های دستوری خود را از دست داده و به فعل منضم می‌شوند و از نظر ساخت‌واژی با پیوند خوردن به یکدیگر یک فعل مرکب انضمامی می‌سازند. وی، در ادامه، بیان می‌کند که اسم منضم‌شده به فعل غیرارجاعی و اسم جنس بوده و سیطره فعل را محدود می‌کند. براساس میتون (۱۹۸۴)، در زبان فارسی برخلاف دیگر زبان‌های دارای فرایند انضمام، دو سازه در هم تنیده نمی‌شوند، بلکه مفعول‌های منضم در کنار فعل قرار گرفته و تشکیل فعل مرکب انضمامی می‌دهند.

در مطالعات انجام‌شده در رابطه با جایگاه موضوع‌های فعل (Karimi, 2003; Faghiri & Samvelian, 2015)، فعل‌های انضمامی به‌صورت فعل مرکب در نظر گرفته نشده و بنابراین، دو جایگاه برای مفعول مستقیم در جمله معرفی شده است. به عبارت دیگر، ترکیب‌هایی که در مقاله فعل مرکب دیرمقدم (۱۳۷۶)، تحت عنوان «فعل مرکب»، معرفی می‌شوند، در مطالعات پیشین، ساخت‌های ساده‌ای در نظر گرفته می‌شوند که از ترکیب مفعول و فعل ساخته شده‌اند. بنابراین، این مطالعه به‌منظور بررسی پیکره‌بنیاد جایگاه سازه‌های مفعولی، ابتدا اسم‌های جنس (و ترکیب‌های اسم جنسی) را که در مجاورت فعل قرار می‌گیرند موضوع فعل و مفعول جمله در نظر می‌گیرد و سپس، با در نظر گرفتن ملاحظات مربوط به تشکیل فعل مرکب انضمامی در زبان فارسی، یک بار دیگر جایگاه مفعول مستقیم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۵. تحلیل داده‌ها<sup>۱</sup>

با توجه به ترتیب سازه‌ای مطرح‌شده توسط ماهوتیان (۱۹۹۷)، جایگاه اصلی مفعول مستقیم (موضوع اصلی فعل) دور از فعل بوده و جایگاه مفعول غیرمستقیم/حرف‌اضافه‌ای (موضوع غیراصلی فعل) در مجاورت فعل پیش‌بینی شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که از میان ۴۱۰ جمله استخراج‌شده

۱. علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از بررسی‌های آماری و مشاهده نتایج آن به اصل پایان‌نامه مراجعه کنند: نیروبخش، شکوه (۱۴۰۲)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «بررسی داده‌بنیاد جایگاه سازه‌های مفعولی در زبان فارسی و ارزیابی تمایل گویشوران نسبت به جایگاه آن: رویکردی کمینه‌گرا» به راهنمایی محمد دیرمقدم، دانشگاه علامه طباطبایی.

از پیکره وابستگی نحوی، ۷۸ درصد جملات مطابق با ترتیب بی‌نشان سازه‌ای است. در حالت بی‌نشان، تمامی انواع مفعول مستقیم، اعم از مفعول مستقیم معرفه مفعول مستقیم اسم جنس، مفعول مستقیم ترکیب اسم جنس و مفعول مستقیم نکره، در جایگاه دور از فعل قرار گرفته و مفعول‌های حرف اضافه‌ای و غیرمستقیم در جایگاه نزدیک به فعل واقع شده‌اند.

#### ۱-۵. ترتیب سازه‌های مفعولی در توالی نشان‌دار

داده‌های این مطالعه نشان داد که ۲۲ درصد جملات از ترتیب بی‌نشان تبعیت نمی‌کنند؛ به این معنا که حداقل یکی از سازه‌های مفعولی در یک جمله دومفعولی در جایگاه پیش‌بینی شده قرار نمی‌گیرد. این تغییر در ترتیب سازه‌ای بی‌نشان، ممکن است در درون جمله و یا خارج از جمله رخ دهد که در ادامه، ابتدا به بررسی ترتیب سازه‌ای نشان‌دار در درون جمله و سپس، خارج از جمله می‌پردازیم.

#### ۱-۱-۵. ترتیب نشان‌دار سازه‌های مفعولی در درون جمله

همان‌طور که در ترتیب سازه‌ای بی‌نشان انتظار می‌رود، جایگاه پیش‌فرض مفعول‌های مستقیم دور از فعل است. هرچند در داده‌های این مطالعه ۱۷ درصد از کل مفعول‌های مستقیم (اعم از معرفه، نکره، اسم جنس و ترکیب‌های اسم جنس) در مجاورت فعل و ۲/۶ درصد مفعول‌های مستقیم معرفه در جایگاه مجاور فعل قرار گرفته‌اند. نکته قابل توجه این است که مجاورت مفعول مستقیم معرفه با فعل ممکن است بر اثر حرکت مفعول دوم (مفعول حرف اضافه‌ای/ غیرمستقیم) به بخش ابتدایی جمله باشد:

		<u>تسلیم می‌گفتند.</u>		<u>فوت پدرش را</u>		<u>به نوه کوچک پدرم</u>	
		<u>فعل مرکب</u>		<u>مفعول مستقیم</u>		<u>مفعول غیرمستقیم</u>	
		خبر		مبتدا			
		<u>همین را</u>		<u>از خداوند</u>		<u>شماها</u>	
		<u>مفعول مستقیم</u>		<u>مفعول حرف اضافه‌ای</u>		<u>فاعل</u>	
		بخواهید.		مبتدای ثانویه		مبتدای اولیه	
		<u>فعل</u>					
		خبر					
		<u>بپیرایم.</u>		<u>خود را</u>		<u>از آینه دیگران</u>	
		<u>فعل</u>		<u>مفعول مستقیم</u>		<u>مفعول حرف اضافه‌ای</u>	
		خبر		مبتدا			

به عبارتی، در مثال‌های ۶-۸، مفعول دوم جمله دستخوش فرایند مبتداسازی/ کانونی‌شدگی قرار گرفته و به جایگاه دور از فعل حرکت کرده است (دبیرمقدم، ۱۳۶۴).

برخلاف ادعای فقیری و سمولیان (۲۰۱۵) و رابرتز (۲۰۰۹) مبنی بر اینکه مفعول‌های مستقیم نکره تمایل دارند در کنار فعل قرار گیرند، نتایج آماری پیکره مورد نظر نشان داد که غالب مفعول‌های مستقیم نکره در جایگاه دور از فعل، یعنی در جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم، حضور دارند (۷۲ درصد) و فقط ۲۶ درصد مفعول‌های مستقیم نکره در مجاورت فعل به کار گرفته می‌شوند. از دیدگاه کریمی (۲۰۰۳)، اگر مفعول‌های مستقیم نکره فاقد «را» باشند، نامشخص هستند و احتمالاً در جایگاه نزدیک به فعل رخ می‌دهند، ولی در داده‌های این مطالعه، مفعول‌های نکره در ۷۲ درصد موارد در جایگاه دور از فعل قرار گرفته و در این جایگاه فقط ۳۳ درصد مفعول‌های مستقیم نکره با «را» به کار رفته بودند.

نکته جالب توجه این است که رخداد مفعول‌های نکره در کنار فعل نسبت به مفعول‌های معرفه بیشتر است که احتمالاً یکی از علتهای آن این است که میزان مشخص‌بودگی (Karimi, 2003) و یا معین بودن (Faghiri & Samvelian, 2015) مفعول مستقیم نکره نسبت به معرفه کمتر است. به عبارت دیگر، هرچه از میزان مشخص‌بودگی مفعول‌ها کمتر شود، تمایل بیشتری برای قرارگیری در کنار فعل دارند، چراکه با کمتر شدن میزان مشخص‌بودگی گسترش معنایی آن‌ها بیشتر شده و احتمال اینکه بتوانند از نظر معنایی با فعل ترکیب شده و به یک واقعیت رخدادی واحد (میرزایی، ۱۳۹۴) اشاره کنند بیشتر است.

براساس مطالعات پیشین، مفعول‌های مستقیم معرفه بیشترین میزان مشخص‌بودگی و مفعول‌های اسم جنس و ترکیب‌های اسم جنس کمترین میزان مشخص‌بودگی را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین، مفعول‌های مستقیم نکره ممکن است مشخص یا نامشخص باشند (Faghiri & Samvelian, 2015; Lazard, 1982; Karimi, 2003). براین اساس، همان‌طور که داده‌های این مطالعه نشان داد، به ترتیب، مفعول مستقیم معرفه، مفعول مستقیم نکره و مفعول مستقیم اسم جنس و ترکیب‌های اسم جنس کمترین درصد رخداد در مجاورت فعل را به خود اختصاص داده‌اند. به عبارت دیگر، نامشخص‌ترین نوع مفعول، یعنی اسم جنس، در اکثر موارد در مجاورت فعل قرار می‌گیرد. سلسله‌مراتب احتمال رخداد متمم‌های فعل در کنار فعل به شرح زیر است:

مفعول مستقیم معرفه > مفعول مستقیم نکره > مفعول مستقیم اسم جنس و ترکیب‌های اسم جنس

درنهایت، جایگاه بی‌نشان مفعول‌های نکره مشابه مفعول‌های معرفه دور از فعل است، هرچند احتمال اینکه در حالت نشان‌دار در مجاورت فعل قرار گیرند، از مفعول‌های معرفه بیشتر است. با دقتی‌تر شدن نسبت به رفتار انواع مفعول‌های مستقیم، مفعول‌های اسم جنس و ترکیب‌های اسم جنس رفتاری غیرقابل انتظار دارند؛ به این معنا که برخلاف انتظار، رخداد این دو نوع مفعول

در مجاورت فعل، که برای مفعول مستقیم جایگاه نشان‌دار است، به ترتیب، ۵۴ درصد و ۶۲ درصد است که فراوانی آن نسبت به جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم بیشتر است. به عبارت دیگر، مفعول‌های اسم جنس برخلاف دیگر انواع مفعول مستقیم، تمایل دارند که در کنار فعل قرار گیرند. این موضوع که مفعول مستقیم اسم جنس تمایل دارد در کنار فعل قرار گیرد لزوماً به خاطر نامشخص بودن و یا نامعین بودن این دسته از مفعول‌های مستقیم نیست، چراکه در پیکره مواردی وجود دارد که اسم جنس با وجود نامشخص بودگی، در مجاورت فعل قرار نگرفته است:

(۹) تماشاگر را به شرکت در تجربه خود فرامی‌خواند.  
مفعول مستقیم اسم جنس

در مثال (۹)، مفعول مستقیم اسم جنس و نامشخص است، ولی در مجاورت فعل قرار نگرفته و با پس‌اضافه (را) همراه شده است. پس، صرفاً نامشخص بودن دلیل کافی برای تعیین جایگاه مفعول مستقیم نیست، بلکه علت بیشترین رخداد اسم‌های جنس و ترکیب‌های اسم جنس در کنار فعل را می‌توان به تمایل فعل‌های زبان فارسی برای تشکیل فعل مرکب نسبت داد. این پیوند زمانی رخ می‌دهد که موضوع فعل (مفعول) و فعل از نظر معنایی با یکدیگر ارتباط داشته و بتوانند با هم به یک پدیده معنایی واحد اشاره کنند.

داده‌ها یک بار دیگر مورد بررسی قرار گرفتند. این بار، ترکیب‌هایی که در آن انضمام مفعول اسم جنس به فعل یک واحد معنایی را تشکیل می‌دهند فعل انضمامی در نظر گرفته شده و از پیکره حذف شدند. براساس آمار حاصل، در صورتی که مفعول مستقیم اسم جنس در کنار فعل قرار گیرد و فاقد هرگونه علامت دستوری باشد، فعل‌یار فعل مرکب انضمامی بوده و موضوع فعل نیست. بنابراین، در چنین شرایطی، مفعول مستقیم فقط در ۵/۵ درصد موارد در جایگاه نشان‌دار مجاور فعل قرار می‌گیرد. این رویکرد نتیجه همگن‌تری نسبت به جایگاه مفعول مستقیم به دست می‌دهد. دبیر مقدم (۱۳۷۶) نیز در مقاله «فعل مرکب در زبان فارسی» عنوان می‌کند که فعل‌یار فعل مرکب انضمامی، گروه اسمی نیست. در نتیجه، نیاز به دریافت حالت نداشته و در واژگان به فعل منضم می‌شود.

پس، به‌طور کلی، جایگاه کلیه مفعول‌های مستقیم (معرفه، نکره و اسم جنس) در جایگاه دور از فعل است. هرچند در مواردی که اسم جنس به علت قرابت معنایی با فعل، در جایگاه مجاور فعل قرار می‌گیرد، فعل‌یار فعل مرکب انضمامی بوده و در چنین شرایطی، در مجاورت فعل واقع می‌شود. داده‌ها نشان داد که بیشترین رخداد مفعول‌های غیرمستقیم و حرف‌اضافه‌ای در کنار فعل است (به ترتیب، ۷۵ درصد و ۸۱ درصد) که این ترتیب با آرایش سازه‌ای بی‌نشان ماهوتیان مطابقت دارد. در شرایطی که مفعول‌های اسم جنس در مجاورت فعل موضوع فعل در نظر گرفته شوند، مفعول‌های

غیرمستقیم و حرف اضافه‌ای به ترتیب، در ۲۱ درصد و ۱۳ درصد در جایگاه دور از فعل (جایگاه نشان‌دار) واقع می‌شوند.

حال، در صورتی که مفعول اسم جنس فعل یار فعل مرکب انضمامی در نظر گرفته شود، با نتایج متفاوتی روبه‌رو هستیم. در چنین شرایطی، مفعول‌های دوم فعل (اعم از حرف اضافه‌ای و غیرمستقیم) در ۱۷ درصد موارد در جایگاه دور از فعل قرار می‌گیرند، ولی زمانی که اسم‌های جنس فعل یار فعل مرکب انضمامی در نظر گرفته می‌شوند، این مقدار به ۶ درصد می‌رسد؛ یعنی در ۱۱ درصد موارد می‌توان علت قرار گرفتن مفعول دوم فعل را در جایگاه دور از فعل به حضور اسم جنس، به‌عنوان فعل یار فعل مرکب انضمامی، نسبت داد. در واقع، زمانی که اسم جنس فعل یار فعل مرکب انضمامی در نظر گرفته می‌شود، جایگاه نشان‌دار (دور از فعل) برای مفعول غیرمستقیم از ۲۱ درصد به ۶ درصد تنزل می‌یابد. هرچند این اختلاف برای مفعول حرف اضافه‌ای کمتر است.

در داده‌های آماری، از میان ۴۶ مورد رخداد مفعول غیرمستقیم در جایگاه دور از فعل (جایگاه نشان‌دار درون جمله)، ۳۵ مورد (۷۵ درصد) مربوط به توالی مفعول مستقیم با اسم جنس است. همان‌طور که در بخش قبل عنوان شد، علت آن تمایل زبان فارسی نسبت به تشکیل فعل‌های مرکب انضمامی است. در چنین شرایطی، فقط ۱۱ مورد از توالی سازه‌ای مفعول مستقیم و غیرمستقیم برخلاف انتظار است. به عبارت دیگر، در این ۱۱ مورد، اینکه مفعول غیرمستقیم در جایگاه دور از فعل قرار گرفته است به دلیلی غیر از حضور اسم جنس به‌عنوان فعل یار فعل مرکب است:

- (۱۰) به نوه کوچک پدرم فوت پدرش را تسلیت می‌گفتند.  
 مفعول غیرمستقیم مفعول مستقیم معرفه فعل مرکب
- (۱۱) او به من جوابی نداد.  
 فاعل مفعول غیرمستقیم مفعول مستقیم نکره فعل
- (۱۲) برادرم را مرحبایی گفت.  
 مفعول غیرمستقیم مفعول مستقیم نکره فعل
- (۱۳) به سقف آرزوهایم چراغی می‌آویزم.  
 مفعول غیرمستقیم مفعول مستقیم نکره فعل
- (۱۴) من از حوض کوثر به آنان آب خوش و گوارایی خواهم نوشاند.  
 فاعل افزوده مفعول غیرمستقیم مفعول مستقیم نکره فعل

همین موضوع در مورد مفعول‌های حرف اضافه‌ای صدق می‌کند. داده‌ها نشان داد که از ۲۴ مورد رخداد مفعول حرف اضافه‌ای در جایگاه دور از فعل، ۱۴ مورد (۵۸/۳۳ درصد) مربوط به

حضور اسم جنس در کنار فعل به سبب تشکیل فعل انضمامی است. با در نظر گرفتن اسم جنس، به‌عنوان فعل‌یار فعل مرکب، فقط در ۱۰ مورد از ۱۷۳ جمله، مفعول حرف‌اضافه‌ای در جایگاه نشان‌دار دور از فعل قرار می‌گیرد:

(۱۵) فلسطین	از ملت ما	کینه عمیقی	به دل گرفته‌اند.
فاعل	مفعول حرف‌اضافه‌ای	مفعول مستقیم نکره	فعل مرکب
(۱۶) شماها نیز	در خلوت‌ها	از خداوند	همین را
فاعل	افزوده	مفعول حرف‌اضافه‌ای	مفعول مستقیم معرفه
(۱۷) با یکدیگر	به آرامی	صحبت‌هایی	ردوبدل می‌کردند.
مفعول حرف‌اضافه‌ای	افزوده	مفعول مستقیم نکره	فعل مرکب
(۱۸) تنها به یادگار	از او	مُهری را	به امانت ستانده‌ام.
افزوده	مفعول حرف‌اضافه‌ای	مفعول مستقیم نکره	فعل مرکب
(۱۹) گوش‌هایتان را	چوب‌پنبه	بچپانید.	
مفعول حرف‌اضافه‌ای	مفعول مستقیم اسم جنس	فعل	

در تمامی نمونه‌های ۱۰-۱۹، مفعول غیر مستقیم و حرف‌اضافه‌ای بنا به دلایل گفتمانی، به جایگاه بالاتر در درون جمله حرکت کرده‌اند. علاوه بر آن، در مواردی ارتباط معنایی مفعول مستقیم نسبت مفعول غیر مستقیم/حرف‌اضافه‌ای بیشتر است. برای مثال، در نمونه (۱۲)، ارتباط معنایی «مرحبا و گفتن» از «برادر و گفتن» بیشتر است. همین موضوع در مورد «جواب و ندادن» نسبت به «من و ندادن» در مثال (۱۱)، «چراغ و آویختن» نسبت به «سقف آرزوها و آویختن» در مثال (۱۳)، «آب و نوشیدن» نسبت به «حوض و نوشیدن» در مثال (۱۴)، «کینه و به دل گرفتن» نسبت به «از ملت» و «به دل گرفتن» در مثال (۱۵)، صدق می‌کند. در واقع، در این نمونه‌ها، اگرچه با فعل مرکب انضمامی روبه‌رو نیستیم، ولی موضوعی که به فعل معنای نزدیک‌تری داشته باشد در مجاورت فعل قرار گرفته و می‌تواند با فعل به یک واقعیت رخدادی واحد اشاره کند. بنابراین، علاوه بر موارد گفتمانی، مجاورت معنایی در حرکت سازه‌های مفعولی بی‌تأثیر نیست. شایان ذکر است انوری (۱۳۸۱) در کتاب فرهنگ بزرگ سخن، مواردی چون «مرحبا گفتن»، «جواب دادن» و «کینه به دل گرفتن» را به‌عنوان مصدر مدخل کرده است.

#### ۱-۲-۵. ترتیب نشان‌دار سازه‌های مفعولی خارج از جمله (پیشایندسازی و پسایندسازی)

علاوه بر حرکت سازه‌های مفعولی در درون جمله، این امکان وجود دارد که موضوع‌های فعل در خارج از جمله واقع شده و پسایند و یا پیشایند شوند. منظور از پیشایندسازی ظهور سازه‌های مفعولی پیش از فاعل و پسایندسازی حاکی از ظهور سازه‌های مفعولی پس از فعل است. در این

مطالعه، فقط یک مورد پیش‌سازندسازی در داده‌های پیکره مشاهده شد که در آن مفعول مستقیم معرفه از جایگاه اصلی خود به جایگاه پیش از فاعل حرکت کرده است:

تورا	کی	راه داد	به مجلس؟
مفعول مستقیم معرفه	فاعل	فعل مرکب	مفعول غیرمستقیم
مبتدای ثانویه	مبتدای اولیه	خبر	

جمله (۲۰) یک جمله پرسشی است. با توجه به اینکه در زبان فارسی حرکت پرسش‌واژه نهان است، در این نمونه نیز پرسش‌واژه جایگاه فاعل (مشخصگر گروه مطابقت فاعلی) را پر کرده و مفعول مستقیم به جایگاه بالاتر آن (گروه مبتدا) حرکت می‌کند. در نمونه (۲۰)، مفعول مبتداسازی شده و «را»ی نحوی و کلامی در تلاقی یکدیگر قرار گرفته‌اند (دبیرمقدم، ۱۳۶۴). به عبارت دیگر، در این نمونه، «را» هم نشانه مبتدای ثانویه و هم مفعول مستقیم است. رابرتز (۲۰۰۹)، در کتاب خود، به نقش سازه‌های پیش‌سازندسازی می‌پردازد. به گفته وی، سازه‌های پیش‌سازندسازی به ارتباط جمله بعدی با آنچه که در بازنمایی ذهنی شنونده در دسترس است کمک می‌کند. به عبارت دیگر، رابرتز بر این عقیده است که پیش‌سازندسازی منجر به تقویت انسجام متنی/ کلامی گفتمان می‌شود. از سوی دیگر، گاهی موضوع‌های فعل ممکن است با هدف تأکید تقابلی و یا مبتداسازی به جایگاه بالاتر از فاعل حرکت کنند (Karimi, 1989; Dabir-Moghaddam, 1992). بنابراین، پیش‌سازندسازی موضوع‌های فعل با اهداف گفتمانی صورت می‌گیرد.

داده‌ها نشان داد که بیشترین درصد سازه‌های مفعولی پس‌سازندسازی شده به مفعول‌های غیرمستقیم و حرف‌اضافه‌ای اختصاص دارد. همچنین، از میان مفعول‌های مستقیم، فقط یک مورد پس‌سازندسازی وجود دارد که از نوع مفعول مستقیم نکره است:

(۲۱) خدایا از ابر هدایت برسان بارانی.

در این میان، ۴ درصد از کل مفعول‌های غیرمستقیم و ۶ درصد از کل مفعول‌های حرف‌اضافه‌ای در جایگاه پس‌فاعلی واقع شده‌اند.

با این صدای بلند،	خودت را	می‌اندازی	توی هیچل.
افزوده	مفعول مستقیم معرفه	فعل	مفعول حرف‌اضافه‌ای

سرش را	برگرداند	به طرفم.
مفعول مستقیم معرفه	فعل	مفعول غیرمستقیم

نگاه بی‌رمقم را	دوختم	به پشت وانت زردرنگ رفع سدّ معبر شهرداری.
-----------------	-------	------------------------------------------

مفعول غیر مستقیم	فعل	مفعول مستقیم	معرفه
<u>توی صورتش.</u> مفعول حرف اضافه‌ای	<u>کوبید</u> فعل	<u>بشقاب را</u> مفعول مستقیم معرفه	(۲۵) <u>آن روز</u> افزوده
<u>توی پاکت.</u> مفعول حرف اضافه‌ای	<u>بگذارم</u> فعل	<u>آن را</u> مفعول مستقیم معرفه	(۲۶) <u>می‌خواستم</u>
<u>توی بشقاب چینی.</u> مفعول حرف اضافه‌ای	<u>گذاشتم</u> فعل	<u>لیوان خالی را</u> مفعول مستقیم معرفه	(۲۷)

سازه‌های مفعولی برای تأکید غیرتقابلی، پس از فعل ظاهر می‌شوند. در واقع، سازه‌های پس‌سایندشده نقش جایگاه کانون را دارند (Mahootian 1997, p. 128).

به‌طورکلی، مفعول حرف اضافه‌ای، مفعول غیر مستقیم و مفعول مستقیم به ترتیب، بیشترین میزان پس‌سایندسازی را به خود اختصاص داده‌اند. این ترتیب با سلسله‌مراتب پس‌سایندی در سبک خودمانی<sup>۱</sup> فرامر (۱۹۸۱) مطابقت دارد (به نقل از دبیرمقدم، ۱۳۹۳):

مفعول مستقیم > مفعول غیر مستقیم / غیر مقصد > مفعول حرف اضافه‌ای / مقصد

نکته جالب توجه این است که هیچ‌یک از مفعول‌های مستقیم اسم جنس پس‌سایندسازی نشده‌اند. اسم جنس از آن جهت که فعل یار فعل مرکب است، در جایگاه اصلی خود باقی می‌ماند و فقط در مواردی، به‌منظور تأکید تقابلی، به ابتدای جمله حرکت می‌کند.

## ۵-۲. تأثیر وزن و طول سازه‌ای در جایگاه سازه‌های مفعولی

تاکنون از دو عامل اهداف گفتمانی، تأثیر اسم جنس و مقاربت معنایی در رابطه با علت حرکت سازه‌های مفعولی، صحبت شد. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در جایگاه موضوع‌های درونی فعل تأثیرگذار باشد وزن و طول سازه‌ای است. براساس فقیری و سمولیان (۲۰۱۵)، در زبان فارسی، سازه‌های طولانی تمایل دارند قبل از سازه‌های کوتاه قرار گیرند و این عاملی است که منجر به تغییر جایگاه سازه‌های مفعولی در جمله می‌شود. مطالعات پیشین علت این امر را به مواردی همچون دسترسی گفتمانی و مفهومی و نیز رعایت اصل اقتصاد در پردازش سازه‌ها گزارش کرده‌اند (Yamashita & Chang, 2001; Wasow, 2002). آن‌ها بر این باورند که در زبان‌های فعل پایانی، سازه‌هایی که از نظر مفهومی غنی‌تر هستند از نظر گفتمانی در دسترس‌تر بوده و زودتر تولید می‌شوند. در این مطالعه، وزن انواع مفعول‌های مستقیم در تقابل

1. post-possibility hierarchy for casual style

با مفعول‌های غیر مستقیم و حرف اضافه‌ای و رابطه آن با جایگاه هر یک از انواع مفعول مورد بررسی قرار گرفت.

براساس داده‌های آماری، مفعول مستقیم در ۸۸ مورد وزن برابری با مفعول دوم (غیر مستقیم و حرف اضافه‌ای) جمله دارد. در حالت برابر، مفعول مستقیم در ۸۹ درصد موارد (۷۸ مورد از مجموع ۸۸)، در جایگاه بی‌نشان (دور از فعل) و در ۱۱ درصد موارد در جایگاه نشان‌دار (مجاور فعل، پس‌اند و پیش‌اند) قرار می‌گیرد. در مواردی که مفعول مستقیم سبک‌تر از مفعول دوم باشد در ۶۱ درصد موارد در جایگاه بی‌نشان و در ۳۹ درصد موارد در جایگاه مجاور فعل قرار می‌گیرد. در مواردی که مفعول مستقیم سنگین‌تر است در ۹۰ درصد موارد در جایگاه بی‌نشان و در ۱۰ درصد موارد در جایگاه نشان‌دار قرار می‌گیرد.

داده‌ها نشان داد که در مواردی که مفعول مستقیم وزن و طول کمتری نسبت به مفعول دوم جمله دارد احتمال بیشتری دارد که در جایگاه نشان‌دار (نزدیک به فعل) واقع شود. به‌منظور بررسی تأثیر عامل وزن در جایگاه سازه‌های مفعولی، از آزمون کای دو<sup>۱</sup> استقلال استفاده شد. فرض صفر بر این است که هیچ رابطه‌ای بین جایگاه مفعول مستقیم و وزن آن وجود ندارد. مقدار احتمال در این آزمون تقریباً برابر با صفر و کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شد. بنابراین، بین متغیر جایگاه مفعول و وزن آن رابطه وجود داشته و این دو متغیر از یکدیگر مستقل نیستند. در واقع، می‌توان گفت زمانی که وزن مفعول مستقیم سبک‌تر است، تمایل دارد که در جایگاه نشان‌دار مجاور فعل واقع شود. همچنین، زمانی که مفعول مستقیم سنگین‌تر از مفعول دوم جمله و یا برابر با آن باشد، تمایل دارد در جایگاه بی‌نشان، یعنی دور از فعل، قرار گیرد.

همان‌طور که در بخش قبل بحث شد، در صورتی که اسم جنس با فعل دارای قرابت معنایی باشد، می‌تواند فعل‌یار واقع شده و به همین دلیل در کنار فعل قرار می‌گیرد. بنابراین، یک بار دیگر، با حذف عامل اسم جنس از داده‌های این مطالعه، متغیر وزن مورد بررسی قرار گرفت. با حذف اسم جنس از داده‌های پیکره، نتایج به همان نسبت حاصل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، زمانی که وزن مفعول مستقیم با مفعول دوم جمله برابر بوده و یا وزن سنگین‌تری دارد، به‌ترتیب، در ۹ درصد و ۷ درصد موارد در جایگاه نشان‌دار واقع می‌شود، ولی زمانی که وزن سازه‌ای مفعول مستقیم کمتر است، در موارد بیشتری (۱۸ درصد) در جایگاه نشان‌دار قرار می‌گیرد. به‌منظور بررسی رابطه میان این دو متغیر، بدون در نظر گرفتن اسم جنس در جایگاه مجاور فعل، یک بار دیگر از آزمون کای دو استفاده شد. براساس نتایج داده‌ها، مقدار احتمال رابطه میان دو متغیر وزن و جایگاه مفعول کمتر از ۰/۰۵ بوده و بنابراین، فرضیه صفر تأیید نشد، به این معنا که حتی با حذف عامل جنس، به‌عنوان

فعل‌یار فعل مرکب انضمامی، میان وزن سازه و جایگاه آن رابطه وجود دارد. هرچه وزن سازه کمتر باشد، تمایل دارد که در کنار فعل قرار گیرد.

۱-۲-۵. ترتیب قرارگیری دو مفعول مستقیم و غیرمستقیم نسبت به یکدیگر با توجه به عامل وزن یک بار دیگر رابطه ترتیب سازه‌ای مفعول مستقیم با مفعول غیرمستقیم و حرف اضافه‌ای، به صورت مجزا، با توجه به عامل وزن، مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا، وزن انواع مفعول‌های مستقیم و مفعول غیرمستقیم و رابطه آن با جایگاه آن‌ها در جمله بررسی شد. به‌طورکلی، مفعول مستقیم در حالت بی‌نشان (جایگاه دور از فعل) در ۲۶ درصد موارد سبک‌تر و در ۴۵ درصد موارد سنگین‌تر از مفعول غیرمستقیم و در ۳۰ درصد موارد وزن آن با مفعول غیرمستقیم برابر بود.

در یک مورد، که هم‌زمان مفعول غیرمستقیم پسایندسازی و مفعول مستقیم پیشایند شده است، وزن هر دو سازه مفعولی برابر است. در مواردی که مفعول غیرمستقیم پسایندسازی شده است در ۷۵ درصد وزن آن از مفعول اول جمله بیشتر است. همچنین، زمانی که مفعول غیرمستقیم در جایگاه دور از فعل قرار می‌گیرد، در ۷۸ درصد موارد وزن آن سنگین‌تر بوده و در ۱۵ درصد موارد وزن سبک‌تری دارد. همچنین، در ۷ درصد وزن آن با مفعول مستقیم برابر بود. به‌منظور محاسبه رابطه میان دو متغیر وزن و جایگاه سازه‌ای، از آزمون کای دو استفاده شد. براساس نتایج این آزمون، احتمال رابطه بین جایگاه و وزن دو متغیر تقریباً برابر صفر است. به‌عبارتی، بین ترتیب قرارگیری مفعول مستقیم و غیرمستقیم و وزن آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.

حال، در صورتی که مفعول‌های مستقیم اسم جنس موضوع فعل در نظر گرفته نشده و فعل‌یار فعل مرکب محسوب شوند، مفعول غیرمستقیم در حالت بی‌نشان در ۴۵ درصد موارد وزن کمتری از مفعول مستقیم دارد. در ۳۰ درصد وزن دو سازه در حالت بی‌نشان برابر بوده و در ۲۵ درصد موارد برخلاف انتظار، مفعول غیرمستقیم سنگین‌تر است، ولی در کنار فعل قرار گرفته است.

در حالت نشان‌دار، زمانی که مفعول غیرمستقیم پسایندسازی می‌شود، در ۷۲ درصد وزن آن سنگین‌تر از مفعول مستقیم است. همچنین، در مواردی که در جایگاه دور از فعل قرار می‌گیرد در ۶۴ درصد موارد وزن سازه می‌تواند عامل این جابه‌جایی باشد. براساس آزمون کای دو استقلال و مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵، با حذف اسم‌های جنس، فرضیه صفر رد شده و رابطه معناداری میان وزن و ترتیب قرارگیری مفعول مستقیم و غیرمستقیم مشاهده می‌شود.

با مقایسه نتایج فوق، به نظر می‌رسد که با حذف عامل اسم جنس، بازهم وزن سازه‌ای می‌تواند عاملی باشد که در ترتیب سازه‌ای مفعول غیرمستقیم و مفعول مستقیم تأثیرگذار باشد، به‌طوری‌که سازه‌های سبک‌تر در کنار فعل واقع شده و سازه‌های سنگین‌تر دور از فعل قرار گیرند.

### ۲-۲-۵. ترتیب قرارگیری دو مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای نسبت به یکدیگر با توجه به عامل وزن

در حالت بی‌نشان، مفعول مستقیم در ۴۲ درصد موارد سنگین‌تر از مفعول حرف اضافه‌ای و در ۴۰ درصد موارد سبک‌تر است. همچنین، وزن این دو سازه در ۱۹ درصد موارد برابر است. در حالت نشان‌دار، زمانی که مفعول مستقیم در جایگاه مجاور فعل قرار می‌گیرد، در ۷۱ درصد موارد سبک‌تر از مفعول حرف اضافه‌ای و در ۱۷ درصد موارد سنگین‌تر است. همچنین، در ۱۳ درصد موارد وزن سازه‌ای هر دو سازه با هم برابر است. در یک مورد که مفعول مستقیم (نکره) در جایگاه پسافعلی قرار گرفته است وزن مفعول مستقیم سبک‌تر از مفعول حرف اضافه‌ای است. در حالتی که مفعول حرف اضافه‌ای در جایگاه پسافعلی قرار می‌گیرد در ۶۴ درصد موارد وزن آن سنگین‌تر از مفعول مستقیم است. به‌منظور بررسی رابطه میان وزن و جایگاه مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای، از آزمون کای دو استقلال استفاده شد. در این آزمون مقدار احتمال رابطه میان جایگاه و وزن این دو سازه مفعولی تقریباً کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، میان ترتیب سازه‌ای مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای و وزن آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، وزن مفعول‌های حرف اضافه‌ای و مفعول غیرمستقیم با در نظر گرفتن اسم جنس، به‌عنوان موضوع فعلی، می‌تواند در ترتیب سازه‌ای مؤثر باشد.

بار دیگر، وزن سازه‌ای مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای با در نظر گرفتن مفعول‌های اسم جنس مجاور فعل، به‌عنوان همیار فعل مرکب انضمامی، بررسی می‌شود. براساس نتایج، مفعول‌های حرف اضافه‌ای در حالت بی‌نشان در ۴۲ درصد موارد سبک‌تر و در ۴۰ درصد موارد سنگین‌تر از مفعول مستقیم هستند. درواقع، تفاوت قابل‌توجهی میان جایگاه مفعول و وزن سازه‌ای در حالت بی‌نشان مشاهده نمی‌شود. همچنین، وزن دو سازه در ۱۸ درصد موارد برابر است.

در حالت نشان‌دار، زمانی که مفعول حرف اضافه‌ای پسایندسازی می‌شود، در ۶۴ درصد موارد سنگین‌تر بوده و در ۱۸ درصد موارد وزن برابری با مفعول مستقیم دارد. همچنین، در این حالت، مفعول حرف اضافه‌ای در ۱۸ درصد موارد سبک‌تر است.

زمانی که مفعول حرف اضافه‌ای در جایگاه دور از فعل قرار می‌گیرد، در ۴۰ درصد موارد سنگین‌تر و در ۳۰ درصد موارد سبک‌تر است. همچنین، در ۳۰ درصد دیگر موارد وزن برابری با مفعول مستقیم دارد. در یک مورد پسایندسازی مفعول مستقیم، مفعول مستقیم وزن کمتری نسبت به مفعول حرف اضافه‌ای دارد. به‌منظور بررسی رابطه میان جایگاه مفعول حرف اضافه‌ای و مستقیم و وزن سازه‌ای، از آزمون کای دو استقلال استفاده شد. نتایج نشان داد که مقدار احتمال رابطه میان وزن و جایگاه مفعول‌های حرف اضافه‌ای در حالتی که اسم جنس به‌عنوان فعل‌یار فعلی مرکب انضمامی در نظر گرفته می‌شود از ۰/۰۵ بیشتر می‌شود. بنابراین، فرض صفر تأیید می‌شود. درواقع، نتیجه آزمون کای دو استقلال نشان می‌دهد زمانی که اسم جنس به‌عنوان فعل‌یار فعلی مرکب

انضمامی در نظر گرفته می‌شود، وزن در ترتیب سازه‌ای مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول مستقیم مؤثر نیست، ولی در صورتی که اسم جنس موضوع فعل در نظر گرفته شود، عامل وزن در ترتیب سازه‌ای این دو مفعول نقش دارد.

نتایج داده‌های بخش ۵-۲-۱ نشان می‌دهد که به‌طور کلی، وزن می‌تواند عاملی بر جابه‌جایی سازه‌های مفعولی در جمله باشد. براساس این نتایج، میان وزن و جایگاه مفعول‌های غیرمستقیم و مستقیم در جمله رابطه معناداری برقرار است. داده‌های این بخش نشان داد که با حذف جملاتی که در آن مفعول مستقیم جمله اسم جنس و فعل‌یار فعل مرکب انضمامی است این رابطه همچنان برقرار است.

نتایج داده‌های بخش ۵-۲-۲ نشان می‌دهد که عامل وزن در ترتیب سازه‌ای مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول مستقیم همچنان تأثیرگذار است. هرچند با در نظر گرفتن اسم جنس، به‌عنوان فعل‌یار فعل مرکب انضمامی و حذف آن از داده‌های پیکره، مشخص شد که رابطه‌ای میان وزن و جایگاه در ترتیب مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول مستقیم وجود ندارد. در واقع، به نظر می‌رسد که این رابطه میان مفعول مستقیم و غیرمستقیم از مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای قوی‌تر است.

## ۶. نتیجه‌گیری

نتایج این مطالعه نشان داد که جایگاه سازه‌های مفعولی با ترتیب خنثای سازه‌ای، که توسط ماهوتیان مطرح شده است، مطابقت دارد. برخلاف مطالعات پیشین، مفعول مستقیم دارای دو جایگاه مجزا در آرایش بی‌نشان سازه‌ای نیست، بلکه به‌صورت بی‌نشان، مفعول‌های مستقیم، اعم از معرفه و نکره و نیز اسم جنس، در جایگاه دور از فعل و قبل از مفعول دوم قرار می‌گیرند. براساس داده‌های پیکره‌ای، علاوه بر مفعول‌های مستقیم معرفه، غالب مفعول‌های مستقیم نکره در جایگاه دور از فعل، یعنی در جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم، حضور دارند و درصد کمتری از مفعول‌های مستقیم نکره در مجاورت فعل به کار گرفته می‌شوند. این مشاهده با نتایج مطالعات قبلی در مغایرت است (Karimi 2003; Roberts 2009; Faghiri & Samvelian 2015). همچنین، جایگاه بی‌نشان مفعول‌های اسم جنس در جایگاه دور از فعل است. در صورتی که اسم جنس با فعل ارتباط معنایی داشته باشد، به‌صورت بی‌نشان در مجاورت فعل قرار گرفته و با فعل تشکیل فعل مرکب انضمامی می‌دهد. در صورتی که ارتباط معنایی به گونه‌ای نباشد که بتواند با فعل به یک پدیده رخدادی واحد اشاره کند، در جایگاه بی‌نشان مفعول مستقیم، یعنی دور از فعل، قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، کاربرد «را» به همراه مفعول اسم جنس، یعنی نامشخص‌ترین نوع مفعول مستقیم، اجباری است. در واقع، بسامد بالای حضور اسم جنس در کنار فعل باعث شده است که در مطالعات پیشین، دو

جایگاه برای مفعول مستقیم در نظر گرفته شود، ولی زمانی که اسم جنس بدون نشانه‌های دستوری در کنار فعل قرار می‌گیرد، فعل یار فعل مرکب محسوب می‌شود و احتمالاً دیگر موضوع فعل و مفعول جمله نیست. براساس داده‌های این مطالعه، جایگاه مفعول وابسته به عامل مشخص‌بودگی و حضور و عدم حضور «را» نیست. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن دو شاخص مشخص‌بودگی و حضور و عدم حضور «را»، به‌طورقطع، نمی‌توان جایگاه مفعول را پیش‌بینی کرد. یکی از عواملی که در تعیین جایگاه سازه‌های مفعولی نقش دارد مقاربت معنایی مفعول با فعل است. هرچه موضوع فعل و فعل از نظر معنایی با هم ارتباط بیشتری داشته باشند، احتمال اینکه بتوانند با هم به یک واحد معنایی اشاره کنند بیشتر بوده و تمایل بر آن است که در مجاورت یکدیگر قرار گیرند. واضح است که موضوع فعل هرچه مشخص‌تر باشد، گسترش معنایی کمتری پیدا می‌کند. بنابراین، موضوع‌هایی از نظر معنایی با فعل ارتباط بیشتری دارند که گسترش معنایی بیشتری داشته و در نتیجه، باید از مشخص‌بودگی کمتری برخوردار باشند. هرچند برعکس آن درست نیست؛ یعنی موضوعی که فاقد مشخص‌بودگی است الزاماً از نظر معنایی با فعل ارتباط ندارد.

نتایج نشان داد که میان جایگاه و وزن سازه‌ای رابطه معنادار برقرار است. به این معنا که سازه‌های سبک‌تر تمایل دارند که در مجاورت فعل واقع شوند. همچنین، سازه‌های سنگین عمدتاً در جایگاه دور از فعل قرار گرفته و یا پس‌اندسازی می‌شوند. در صورتی که عامل اسم جنس به‌عنوان فعل یار فعل مرکب انضمامی از داده‌ها حذف شود، این رابطه، به‌طورکلی، همچنان برقرار است. از دیگر دستاوردهای این مطالعه این است که رخداد مفعول حرف اضافه‌ای و مفعول غیر مستقیم در جایگاه پس‌افعلی از مفعول مستقیم بیشتر است. همچنین، پس‌اندسازی مفعول حرف اضافه‌ای نسبت به مفعول غیر مستقیم بیشتر است. داده‌های این بخش از مطالعه با نتایج مطالعه فرامر (۱۹۸۱) هم‌راستا است.

رابطه میان وزن و جایگاه در ساخت‌های حاوی مفعول مستقیم و غیر مستقیم و نیز ساخت‌های دارای مفعول مستقیم و حرف اضافه‌ای، به صورت مجزا، بررسی شد. براساس نتایج این بررسی، مشخص شد که در ساخت‌هایی که موضوع‌های آن مفعول مستقیم و غیر مستقیم است میان وزن و جایگاه رابطه مستقیم برقرار است. هرچند در مورد ساخت‌هایی که موضوع‌های آن شامل مفعول مستقیم و مفعول حرف اضافه‌ای است، این رابطه همیشه برقرار نیست. به عبارتی، در صورتی که اسم جنس به‌عنوان موضوع فعلی در نظر گرفته شود، میان وزن و جایگاه این ارتباط برقرار است، ولی با حذف اسم‌های جنسی که در مجاورت فعل بوده و با فعل تشکیل فعل مرکب انضمامی می‌دهند این رابطه دیگر وجود ندارد. به عبارت دیگر، در ساخت‌های مضاعف حاوی مفعول حرف اضافه‌ای، عامل اسم جنس در نتایج مربوط به رابطه وزن و جایگاه سازه‌های مفعولی نقش عمده‌ای دارد.

## منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ۸ جلد، تهران، سخن.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۴/۱۳۹۹)، «پیرامون 'را' در زبان فارسی»، زبان‌شناسی: منظری ایرانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱۲۳-۱۸۸.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، ۲ جلد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، «فعل مرکب در زبان فارسی»، زبان‌شناسی، شماره ۲۳-۲۴، ص ۳۱-۴۶.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹)، زبان‌شناسی: منظری ایرانی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۳)، «جایگاه مفعول مستقیم در فارسی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره ۲۴، ص ۵۶-۶۶.
- \_\_\_\_\_ و مریم قیاسوند (۱۳۹۳)، «بررسی پیکره‌بنیاد تأثیر عوامل نقشی در قلب نحوی کوتاه فارسی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره ۱۰، ص ۱۶۳-۱۹۸.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۲)، «درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی»، در مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۲۳۶-۲۴۶.
- علایی، مجید، مهدی تهرانی‌دوست و محمد راسخ‌مهند (۱۳۹۷)، «چیدمان سازه‌ها در زبان فارسی متأثر از وزن دستوری: تبیینی پردازش‌محور»، جستارهای زبانی، سال ۹، شماره ۵، ص ۳۵-۶۵.
- میرزایی، آزاده (۱۳۹۴)، «هر فعل یک واقعیت رخدادی: نظام فعل در زبان فارسی»، دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، شماره ۱۱، ص ۵۷-۹۲.

- Bock, Kathryn, J.M. Willem, Levelt & Morton Ann Gernsbacher (2002), "Language Production: Grammatical Encoding", *Psycholinguistics: Critical Concepts in Psychology*, 5, pp. 405-452.
- Carnie, Andrew (2021), *Syntax (A Generative Introduction)*, 4th edition, New York, John Wiley & Sons.
- Dabir-Moghaddam, Mohammad (1992), "On the (In)dependence of Syntax and Pragmatics: Evidence from the Postposition -ra in Persian." *In Cooperating with Written Texts: The Pragmatics and Comprehension of Written Texts*, Berlin: Mouton de Gruyter, pp. 549-573.
- Faghiri, Pegah, & Pollet Samvelian (2015), "How much is Determined by Syntax? An Empirical Approach to the Position of the Direct Object in Persian.", *9th Iranian Conference on Linguistics, Allameh Tabatabai University, Department of Linguistics*, pp. 1419-1435.
- Frommer, Paul Robert (1981), "Post-Verbal Phenomena in Colloquial Persian Syntax.", Unpublished PhD dissertation, University of Southern California.
- Hawkins, John A (1994), *A Performance Theory of Order and Constituency*, Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ (1983), *Word Order Universals*, New York, Academic Press.

- Karimi, Simin (2003), "On Object Positions, Specificity, and Scrambling in Persian", In S. Karimi (Ed.), *Word Order and Scrambling*, Oxford/Berlin, Blackwell Publishers, pp. 91-124.
- (1989), "Aspects of Persian Syntax, Specificity and the Theory of Grammar", Unpublished Ph. D. Dissertation, University of Washington.
- Kempen, Gerard & Karin Harbusch (2003), "Word Order Scrambling as a Consequence of Incremental Sentence Production", *Trends in Linguistics Studies and Monographs*, 152, pp. 141-164.
- Lambrecht, Knud (1996), *Information Structure and Sentence Form: Topic, Focus, and the Mental Representations of Discourse Referents*, Cambridge, Cambridge University Press, Representations of Discourse Referents,.
- Lazard, Gilbert (1982), "Le Morpheme ra en Persan et les Relations Actanciennes", *Bulletin de la société de Linguistique de Paris*, Paris, Fascicul, 73.1, pp. 177-207.
- Mahootial, Shahrzad (1997), *Persian*, London, Routledge.
- Mithun, Marianne (1984), "The Evolution of Noun Incorporation", *Language*, 60, pp. 847-894.
- Peterson, David John (1974), "Noun Phrases Specificity", Unpublished PhD dissertation, University of Michigan.
- Rasooli, M. S., P. safari, A. Moloodi & A. Nourian (2022), "The Persian Dependency Treebank made Universal", In Proceedings of the 13<sup>th</sup> conference on Language Resources and Evaluation (LREC 2022), European Language Resources Association (ELRA), pp. 7078-7087.
- Roberts, John R (2009), *A Study of Persian Discourse Structure* (in cooperation with Behrooz Barjasteh Delforooz and Carina Jahani), Uppsala, Uppsala university press.
- Wasow, T. (2002), *Postverbal Behavior*, Stanford, CA: CSLI Publications.
- (1997), "Remarks on Grammatical Weight", *Language Variation and Change*, 9, pp. 81-105.
- Yamashita, Hiroko & Franklin Chang (2001), "Long Before Short' Preferences in the Production of a Head-Final Language", *Cognition*, 81(2), B45-B55.

## References

### Sources are in Persian unless otherwise specified.

- Alaei, Majid, Mehdi Tehrani-Doust, & Mohammad Rasekh-Mahand, (2018), "Constituent Order in Persian as Influenced by Grammatical Weight: A Processing-Based Account," *Jostarha-ye Zabani*, Vol. 9, No. 5, pp. 35–65.
- Anvari, Hassan (2002), *The Comprehensive Sokhan Dictionary*, Tehran, Sokhan.
- Dabir-Moghaddam, Mohammad (1997), "Compound Verb in Persian," *Zabanshenasi*, No. 23–24, pp. 31–46.
- (2014), *Typology of Iranian Languages*, Vol. 1, Tehran, SAMT publisher.
- (1990), "On the Postposition "ra" in Persian," *Iranian Journal of Linguistics*, No. 2, pp. 123-188.
- (2020) *Linguistics: An Iranian Perspective*, Tehran, Allameh Tabataba'i University.
- Mirzaei, Azadeh (2015), "Each Verb as a Single Event: The Verbal System in Persian," *Dastur*, No. 11, pp. 57–92.

- Rasakh-Mahand, Mohammad (2004), "The Position of the Direct Object in Persian," *Dastur*, No. 24, pp. 56–66.
- & Maryam Ghiyasvand (2014), "A Corpus-Based Study of Role-Related Factors in Short Rightward Movement in Persian", *Dastur*, No. 10, pp. 163–198.
- Sadeghi, Ali-Ashraf (1993), "On So-Called 'Fake' Verbs in Persian," In *Proceedings of the Seminar*, "Persian Language and the Language of Science", Tehran, Markaz-e Nashr-e Daneshgahi, pp. 236–246.

